

دوتا ۳۴۳	بررسی کتاب مقدس / ۶۵
	رومیان ۹
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس، دو معلم، کار بررسی را از رومیان ۹ انجام خواهند داد.

در رومیان ۱: ۱۶-۱۷ پولس بیان می‌دارد که انجیل قدرت خداست برای نجات هر کسی که ایمان آورد: "ابتدا برای یهودیان"، سپس برای غیر یهودیان. با این حال به نظر می‌رسد که این واقعیت که یهودیان دارای اولویت بودند (متی ۱۰: ۶-۵) توسط رویدادهای بعدی تأیید نمی‌شود. به جای آنکه تعداد زیادی از مردم اسرائیل در اثر ایمان عادل شمرده شوند، در واقع "ناباوری و ارتداد به‌گونه‌ای گسترده در میان اسرائیل" وجود داشت. بنابراین، در رومیان فصل‌های ۹-۱۱، پولس طرح جهانی خدا برای یهودیان و غیر یهودیان را تشریح می‌کند. نشان می‌دهد که چگونه برخوردهای متفاوت خداوند با یهودیان و غیر یهودیان با هم عمل کرده، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند تا نقشه خدا برای نجات هر دو به انجام رسد.

### (S) قدم اول. بخوانید

با هم رومیان ۹: ۱-۳۳ را بخوانیم. اگر دو نفر یا بیشتر هستید، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به‌خاطر کمبود وقت، لطفاً رومیان ۹: ۱-۳۳ را بعداً بخوانید.

### (T) قدم دوم. کشف کنید

برخی حقایق مهم را از رومیان ۹ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. پس از چند دقیقه، به نوبت، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) در رومیان ۹: ۱-۵ حقیقت مهمی برای من وجود دارد. "شریحی درباره امتیازات اسرائیل". امتیازات ملت طبیعی اسرائیل از این قرار است. خداوند آنها را جدا کرد تا او را خدمت کنند و به دیگران بشناسانند. عبارت "عهدها" اشاره دارد به تنها عهد فیض خدا، که با ابراهیم بست، و بعد از آن آنها بارها در طول دوره عهد عتیق مورد تأیید مجدد قرار داد. "پدران" قوم اسرائیل یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب آغاز عهد خدا بر روی زمین بودند. عبارت "فرزند خوانده شدن" به اسرائیل به عنوان پسر نخست‌زاده خدا اشاره می‌کند، که معنای آن این است که اسرائیل شروع قوم خدا بر روی زمین بود، نه تنها قوم خدا بر روی زمین. خداوند "جلال الهی" خود را در روز به صورت ستون ابر و در شب در شکل ستون آتش به اسرائیل نشان داده بود. اسرائیل "شریعت" موسی را دریافت کرده بود. معبد قوم اسرائیل آن را از پرستش بتها بر روی هر تپه و در زیر هر درختی جدا نمود. خداوند به اسرائیل وعده‌هایی زیادی از قبیل تبدیل شدن به ملتی بیشمار و مالکیت زمین را داد. و آخر اینکه، اسرائیل وجود داشت تا "مسیح را در طبیعت انسانی‌اش" به جهان بیاورد. مسیح از نظر ماهیت الهی‌اش به ملت طبیعی اسرائیل تعلق ندارد. تمامی این وعده‌ها تنها در درون ملت طبیعی اسرائیل تحقق یافت.

(T) در رومیان ۹: ۶-۹ حقیقت مهمی برای من وجود دارد. "مردم از طریق وعده عهد حاکمانه خدا فرزندان او می‌شوند، نه بواسطه تولد یا نژاد طبیعی." "یهودیان گمان می‌کردند که قوم برگزیده خدا هستند، زیرا نسل طبیعی ابراهیم بودند. اما کتاب مقدس به ما می‌آموزد که انسان فقط از طریق وعده عهد حاکمانه خدا فرزندان روحانی او می‌شوند." "کلام خدا" وعده عهد خدا به ابراهیم است. بی‌ایمانی ملت طبیعی اسرائیل و رد شدن متعاقب آنها توسط خدا به این معنا نیست که وعده عهد خدا شکست خورده است.

اول. "خداوند وعده عهد خود را با ملت طبیعی اسرائیل نبست، بلکه با ابراهیم، اسحاق و یعقوب بست که همگی ایمان داشتند." وعده خدا به افرادی مربوط می‌شود که وعده در مورد آنها اجرا نیز می‌شود. برای مثال، خداوند به ابراهیم و سارا وعده‌ای داد و این مربوط به پسرشان اسحاق بود. خداوند به ابراهیم و هاجر وعده نداد و در نتیجه این وعده به پسر آنها اسمائیل ارتباطی نداشت. خداوند فرزندان وعده عهد حاکمانه‌اش را فرزندان خود می‌داند.

دوم. "در طول دوره عهد عتیق خداوند همه اسرائیلی‌ها را قوم برگزیده خود نمی‌دانست." از یک طرف، خدا فرمود تمام مردم اسرائیل که بتها را پرستش کردند "قوم من نیستند". و از طرف دیگر، خداوند غیر یهودیانی را که ایمان داشتند "قوم من" می‌خواند. برای مثال، راحاب، کنعانی بود و ایمان داشت. روت، موآبی بود و ایمان داشت. در طول دوران اسارت، بابلی‌ها و ایرانیانی بودند که ایمان داشتند و به قوم خدا پیوستند (اشعیاء ۵۶: ۱-۸). پیامبران، اسرائیل حقیقی را "هفت هزار نفری می‌دانستند که در مقابل بت بعل زانو نزده بودند" (اول پادشاهان ۱۹: ۱۸). به این دلیل است که در رومیان ۲: ۲۸-۲۹، پولس بوضوح بین ملت فیزیکی اسرائیل که تنها از لحاظ جسمانی ختنه شده بودند، و ملت روحانی اسرائیل که توسط روح القدس قلباً ختنه شده بودند تمایز قائل می‌شود. و از این رو است که رومیان ۹: ۶ می‌فرماید که تمامی نسل اسرائیل طبیعی عضو اسرائیل روحانی نمی‌باشند.

### (S) قدم سوم. سوال کنید

بیا بید تمام حقایق موجود در رومیان ۹: ۱-۳۳ را درک کنیم و سوالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم، مطرح سازیم. "چه سوالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بکنید؟" فکر کنید و سوال خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. سپس راجع به سوالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید.  
سوال اول. (۹: ۱۰-۱۳) "آیا مردم از طریق اعمال مذهبی یا کارهای نیک فرزندان خدا می‌شوند؟"

(T) خیر. "یهودیان گمان می‌کردند که قوم برگزیده خدا هستند، زیرا اعمال مذهبی و کارهای نیک شریعت را که خدا از آنان خواسته بود، بجا می‌آوردند. اما کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که انسانها تنها از طریق گزینش، دعوت و فیض حاکمانه خدا فرزندان او می‌شوند." قبل از آنکه دوقلوهای اسحاق و ربکا بتوانند هر گونه اعمال مذهبی یا کارهای نیک انجام دهند، حتی پیش از آنکه متولد شوند خداوند یعقوب را "دوست می‌داشت" و از عیسی "متنفر بود". در جمله خداوند "دوست می‌داشت"، زمان فعل «دوست داشتن» و «نفرت داشتن» (وجه معلوم) یکبار اشاره دارد به تمامی اعمال شخص یعقوب و شخص عیسی، و نه به اعمال مستمر و تکرار شونده اقوام اسرائیل و ادوم در طول تاریخ.  
"دوست داشتن" یعنی اینکه خداوند یعقوب را ترجیح داد و به عبارتی او را انتخاب کرد. و کلمه "بیزاری" یعنی اینکه خداوند عیسی را ارجح ندانست و بنابراین او را انتخاب نکرد. خداوند اینکار را انجام داد تا به مردم نشان دهد که آنها فرزندان خدا هستند، زیرا خدا آنها را برگزید، نه بخاطر اینکه آنها خدا را برگزیدند. علاوه بر این، با آنکه خدا افرادی از قبیل اسحاق و یعقوب را برگزید، لیکن بسیاری از نسل آنان را که ایمان نیاوردند، رد کرد. و علیرغم آنکه خداوند فردی مانند عیسی را انتخاب نکرد، اما بسیاری از نسل او انتخاب شدند و نجات یافتند، زیرا ایمان آوردند. پس وعده عهد خدا شامل حال همه کسانی می‌شود که ایمان آورند (غلاطیان ۳: ۶-۱۴).  
سوال دوم. (۹: ۱۴-۱۸) "کتاب مقدس در مورد دفاع از عدالت خدا چه چیزی را به ما یاد می‌دهد؟"

(S) اول. "خداوند مقتدرانه آزاد است تا فیض خود را به هر کس که بخواهد عطا کند" (۹: ۱۴-۱۶). ما فقط هنگامی می‌توانیم از «عدالت» سخن بگوییم، که کسی بتواند دعوی عادلانه‌ای را مطرح کند. پولس استدلال می‌کند که هیچکس نمی‌تواند ادعا یا تقاضای قانونی کند که خداوند باید او را نجات دهد (او کسی را نجات می‌دهد که بخواهد) و به این ترتیب از عدالت خدا دفاع می‌کند. برای مثال، اگر خداوند تمام مردم جهان را افرادی می‌پنداشت که بی‌گناه متولد شده‌اند، آنها در آغاز زندگی‌شان بر روی خط صفر بین نیک و بد قرار می‌گرفتند. سپس می‌توانستند شخصاً تصمیم بگیرند که آیا در جهت نیکی (نجات) حرکت کنند یا در جهت شر (محکومیت). آنگاه خداوند کاملاً مستبد و ناعادل می‌شد اگر برخی از افراد روی زمین را برای نجات انتخاب می‌کرد و برخی را نه. آنگاه مردم می‌توانستند بر علیه خدا خواهان اجرای عدالت شوند.  
اما از آنجا که همه مردم خیلی پایین‌تر از خط صفر بین نیک و بد قرار می‌گیرند، هیچکس توانایی آن را ندارد که تعیین کند آیا در جهت نجات حرکت کند یا در جهت محکومیت. هیچکس نمی‌تواند ادعایی عادلانه بکند. انسانها همگی با طبیعت گناه‌آلود متولد شده‌اند (ایوب ۱۴: ۴). همه انسانها گناه کرده‌اند و از شروط الهی خدا قاصرند (۳: ۲۳). خداوند همه نسل بشر را گناهکار، بدور از خدا و دشمن می‌شمارد (۵: ۶ و ۸ و ۱۰). همه انسانها همراه با کل نسل بشر از قبل سقوط کرده‌اند (۵: ۱۷-۱۹). همه مردم پیشاپیش گمراه، محکوم و مورد غضب خدا هستند (یوحنا ۳: ۱۶ و ۱۸ و ۳۶). بنابراین اگر خداوند تمام انسانهای روی زمین را محکوم کرده و حتی یک نفر را نجات ندهد، هنوز هم کاملاً (۱۰۰٪) عادل است. واقعیت این است که خدا کماکان تعداد بیشماری از انسانهای ناعادل روی زمین را نجات می‌دهد زیرا محبت خدا بسیار فراتر از عدالت او قرار می‌گیرد (یعقوب ۲: ۱۳).

"ما فقط هنگامی می‌توانیم از «فیض» سخن بگوییم، که کسی بتواند ادعایی عادلانه را مطرح کند. فیض یا رحمت هدیه رایگان خداست، که هیچکس لیاقت آنرا ندارد. خداوند می‌فرماید او بر هر کسی که دارای رحم و شفقت باشد، رحم و شفقت نشان خواهد داد. واقعیت این است که خدا به دلیل محبت حیرت‌انگیز خود دارای رحمت بوده و فیض خود را به تعداد غیر قابل شماری از افراد نشان می‌دهد.

**نتیجه:** "انسانها به دلیل تمایل یا تلاش خود فرزندان خدا نمی‌شوند. آنها تنها از طریق فیض و رحمت حاکمانه خدا فرزندان او می‌گردند."

**دوم.** "خداوند حاکمانه آزاد است دل هر که را بخواهد سخت کند (۹: ۱۷-۱۸)". یک "تقصیر انسان و سختدل نمودن". سختدل نمودن که کتاب مقدس از آن صحبت می‌کند مفهومی قضائی است. شخصی که سختدل است همیشه سزاوار مجازات است. برای نمونه، خداوند گذاشت غیریهودیان در فساد جنسی، تباهی فکری و همه نوع ضعف غرق شوند (۱: ۲۴ و ۲۶ و ۲۸)، زیرا تعمداً حقیقتی را که خدا مکشوف کرد، سرکوب و تحریف نمودند (۱: ۱۸ و ۲۵). آنها "پیوسته" دل خود را در برابر خدا سخت می‌کردند، پس در آخر خداوند آنها را به سختدلی تسلیم نمود. آنها نهایتاً چیزی را درو کردند که در زندگی خود کاشته بودند (غلاطیان ۶: ۷-۸). فرعون در زمان موسی همواره دل خود را در مقابل هشدارهای خدا سخت کرد، پس خداوند بالاخره دلش را سخت نمود. با وجود این، خدا همین فرعون را بکار گرفت تا نام خود را در سراسر زمین بشناساند. ما هرگز نمی‌توانیم سختدل کردن را جدای از گناه انسان تعریف کنیم.

**دو.** "اراده الهی و سختدل کردن". از دیدگاهی قضایی، چون همه انسانها گناه کرده‌اند، همه سزاوار سختدل شدن هستند. واقعیت این است که خداوند قلب تعداد زیادی از مردم را سخت نمی‌کند، بلکه بر آنان رحم می‌کند چون اراده حاکمانه او چنین است. به

دو دلیل افراد خاصی فرزندان خدا نمی‌شوند: به خاطر سطح قانونی خدا، آنها گناه کرده‌اند و سزاوار سختدل شدن هستند؛ به دلیل سطح حاکمیت خدا، خداوند فیض خود را از آنان دریغ داشته است.

**نتیجه:** "انسانها در نتیجه اراده و تصمیم خودشان فرزندان خدا نمی‌شوند. آنها تنها از طریق اراده حاکمانه و کاملاً تعیین کننده خدا برای نشان دادن فیض فرزندان او می‌شوند".

سؤال سوم. (۹: ۱۹-۲۶) "کتاب مقدس درباره دفاع از حاکمیت خدا چه چیزی را تعلیم می‌دهد؟"

(T) اراده و عزم حاکمانه خدا انسانها را از مسئولیت و قصور شخصی‌شان معاف نمی‌کند.

**اول:** "اراده حاکمانه خدا چیزی غایی است" (۹: ۱۹). یک امر غایی، محدوده‌ای بسیار فراتر از انسان دارد، غیر قابل تغییر است و انسان بر روی آن هیچگونه نفوذی ندارد. انسان باید خود را تسلیم این امور غایی نماید. برای مثال: کار خدا در خلقت معین میکند که ما کیستیم، چه زمان در تاریخ زندگی کنیم و کجا در روی این زمین زندگی کنیم (اعمال ۱۷: ۲۴-۲۷) سلطنت خداوند بر زمین و آسمان همه چیز را سازگار با هدف اراده او به پیش می‌برد (افسیان ۱: ۷-۱۲). داوری حاکمانه خدا بر جهان بی‌عدالتی انسانها را عادلانه‌تر خواهد کرد (رومیان ۳: ۶). اراده خدا یا هدف خدا بر اساس گزینشی حاکمانه تعیین می‌کند که به چه کسی رحمت نشان دهد و از چه کسی رحمتش را مضایقه نماید (رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ ۹: ۶-۲۶). ما باید از شکل آفرینش و شرایط زندگی خود راضی و از اینکه رحمتش را شامل حال ما کرده متحیر باشیم. باید برای جایگاه عظیم او احترام عمیقی قائل شویم و خود را تسلیم نقشه‌های حاکمانه‌اش کنیم و تصمیمات حاکمانه او را زیر سؤال نبریم.

**دوم:** "اراده حاکمانه خدا با جهان واقعی انسان سقوط کرده سر و کار دارد". (۹: ۲۰-۲۳) کتاب مقدس از حاکمیت مقتدرانه خدا بر گناهکاران سخن می‌گوید نه بر انسانهای بی‌عیب. کوزه قبلاً سقوط کرده و گمراه شده است. کوزمگر حق دارد هر چه بخواهد از آن بسازد. در حالی که می‌توانیم بگوییم که "افراد مورد غضب خدا" مسبب نابودی خود هستند (۹: ۲۲)، لیکن نمی‌توانیم بگوییم که "افرادی که مشمول رحمتند" مسبب نجات خودشان می‌باشند. هیچکس سزاوار رحمت نیست و هیچکس قادر نیست فیض را کسب نماید. حتی قبل از آفرینش، خدا حاکمانه برای آینده قوم خود نقشه کشید و در طول تاریخ آن نقشه را بر آنان آشکار کرد (۹: ۲۳). بین زندگی حال و آینده افراد مورد غضب خدا پیوستگی وجود دارد. بین آنچه در زندگی فعلی هستند و مرگ روحانی که به آن تسلیم خواهند شد ارتباط دقیقی وجود دارد. از مسئولیت انسانی یا گناه شخصی خود خلاصی نخواهند داشت. مزد گناهشان مرگ است (۶: ۲۳). بین زندگی فعلی و آتی کسانی که مشمول رحمت خدا هستند نیز پیوستگی وجود دارد. بین فرآیند فیضی که در زندگی کنونی عمل می‌کند و جلالی که نهایتاً در زندگی آینده حاصل خواهد شد ارتباط وجود دارد (۸: ۲۹ و ۳۰).

**نتیجه:** "تمامی انسانهای روی زمین مجاری‌ای هستند برای نمایش داوری خدا (۹: ۱۷ و ۲۲) یا نشان دادن رحمت او (۹: ۲۳)".

**سوم:** "اراده حاکمانه خدا دعوتش برای غیر یهودیان را تعیین می‌کند" (۹: ۲۴-۲۶). "خداوند هم از میان یهودیان و هم غیر یهودیان افرادی را فرا می‌خواند". خداوند به وعده عهد خود وفادار بوده است. این موضوع ابتدا در مورد افراد مشمول رحمت او در بین یهودیان آشکار شد (۹: ۲۴؛ ۶: ۹). سپس درباره افراد مشمول رحمتش در میان غیر یهودیان تجلی یافت (غیر یهودیان ۹: ۲۴؛ ۸: ۳۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹). این موضوع حائز اهمیت است که وعده عهد و فیض خدا از یهودیان بسیار فراتر می‌رود. وعده عهد و فیض خدا "به هر قبیله و زبان و قوم و ملتی می‌رسد" (مکاشفه ۵: ۹؛ اول پطرس ۲: ۹-۱۰). وعده عهد خدا ابتدا در عیسی مسیح تحقق یافت، که در او "تمام خانواده‌های زوی زمین" برکت می‌یابند (پیدایش ۱۲: ۳).

"دعوت خدا از غیر یهودیان در عهد عتیق". در عهد عتیق، هوشع ۲: ۲۳ و ۱: ۱۰ به یهودیانی اشاره دارد که در طول دوران پادشاهان بی‌خدا و شرور اسرائیل "دیگر قوم خدا نبودند". با اینحال خدا وعده داد که یهودیان در آینده مجدداً "قوم خدا" خواهند شد. این امر در بازگشت یهودیان از تبعید در بابل و بعد از آن ریزش روح القدس بر یهودیان در اورشلیم به هنگام پنطیکاست محقق شد. در رساله به رومیان، پولس رسول این اصل را در مورد غیر یهودیان (امت‌ها) بکار گرفت. بین طرد اولیه ملت اسرائیل و سپس پذیرش مجدد آنها، و نیز مستثنی شدن اولیه ملل غیر یهودی و سپس پذیرفته شدن آنها در قوم خدا در وضعیتی معادل با ایمانداران یهودی، نوعی توازی وجود دارد (افسیان ۲: ۱-۲۲؛ ۳: ۱-۶). تمام انسانهایی که به عیسی مسیح ایمان آورند، چه یهودی و چه غیر یهودی، با هم اسرائیل حقیقی یا روحانی را تشکیل می‌دهند (۹: ۶؛ غلاطیان ۶: ۱۴-۱۶؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹-۱۰). در اینجا بر دعوت حاکمانه خدا از مردم برای سهیم شدن در فیض او تأکید شده است. این فیضی ناب است برای اینکه کسانی که قبلاً "قوم خدا" نبودند، بتوانند "قوم او" شوند (۹: ۲۵-۲۶).

سؤال ۴. (۹: ۲۷-۲۳) "بازماندگان اسرائیل چه کسانی هستند؟"

(S) **اول:** "نبوتهای عهد عتیق بوضوح از یک "بازمانده" برای اسرائیل سخن می‌گویند (۹: ۲۷-۲۹). قبلاً در طول دوران عهد عتیق، تعدد اسرائیلی‌ها "بیشمار" بود (اول پادشاهان ۳: ۸)، "مانند غبار روی زمین" (پیدایش ۱۳: ۶)، "همانند ستارگان آسمان" (پیدایش ۱۵: ۵)، و "بسان ریگهای ساحل" (پیدایش ۲۲: ۱۷). با آنکه تعداد اسرائیلی‌ها آنقدر زیاد بود، لیکن فقط بازمانده‌ای از اسرائیل نجات می‌یابند (اشعیاء ۱۰: ۲۲-۲۳). این تمیز قائل شدن حاکمانه بین قوم طبیعی اسرائیل و بازماندگان روحانی قوم اسرائیل تضمین می‌کند که خدا همیشه به وعده عهد خود با اسرائیل وفادار است. گرچه یهودیان بسیاری عیسی مسیح را به عنوان مسیح رد کردند، و به این ترتیب از وعده عهد خدا به اسرائیل دور شدند، با وجود این، هنوز یهودیان زیادی بودند که به عیسی مسیح ایمان آوردند و نجات یافتند. آنها "بازماندگان" هستند (یوحنا ۱: ۱۱-۱۳). به همین ترتیب خدا در میان

تمامی اقوام روی زمین مردمان برگزیده‌ای دارد (۸: ۲۹-۳۰ و ۳۳). نقشه‌گزینش او از ابتدا وجود داشته است (۹: ۱۱). در هر نسلی، "بازمانده‌ای" وجود خواهد داشت که در اثر فیض انتخاب شده است (۱۱: ۵). اهمیت این باقیمانده هرگز نباید دست کم گرفته شود، زیرا بدون این باقیمانده ملت طبیعی اسرائیل نیز مانند سدوم و عموره محو می‌شد (اشعیاء ۱: ۹؛ ۹: ۲۷-۲۹).

**دوم.** "نبوت‌های عهد عتیق به روشنی در باره «لغزش» هشدار می‌دهند" (۹: ۳۰-۳۳).

**یک.** "عادل‌شمردگی از طریق فیض حاصل می‌شود، و از طریق نگاه داشتن شریعت نمی‌توان آنرا کسب نمود". عدالت خدا، که عیسی مسیح آنرا کسب کرد، تنها در اثر فیض خدا و از طریق ایمان قابل حصول است. این عادل‌شمردگی بدین معناست که خداوند عدالت عیسی مسیح را به حساب شخص ایماندار گذاشت. از اینرو خداوند شخص ایماندار را از نظر خود کاملاً (۱۰۰٪) عادل می‌شمرد و از آن موقع به بعد وی را کاملاً (۱۰۰٪) عادل دانسته و با او به عنوان فرد عادل رفتار می‌کند. عادل‌شمردگی را هرگز نمی‌توان از طریق حفظ شریعت به دست آورد. یهودیان و بسیاری دیگر از مذاهب سعی می‌کنند با نگاه داشتن شریعت عادل شمرده شوند. برای مثال، روزی سه بار دعا می‌کنند، دوباره در هفته روزه می‌گیرند، ده یک درآمد خود را هدیه می‌دهند و در طول حیات خود سالی سه بار برای زیارت به اورشلیم سفر می‌کنند. به این امید هستند که بر اساس شایستگی مذهبی و فضائل خودشان خدا آنها را عادل خواهد شمرد.

عهد عتیق پیشاپیش هشدار و وعده‌ای ارائه داد. کسانی که سعی دارند عدالت خودشان را دنبال کنند و عدالت خدا در عیسی مسیح را رد می‌کنند، لغزش خورده و بر روی صخره، یعنی عیسی مسیح سقوط خواهند کرد (اشعیاء ۸: ۱۴). اما آنانی که بر خدا توکل کنند و عدالت خدا در عیسی مسیح را بپذیرند، هرگز سرفکنده نمی‌شوند (اشعیاء ۲۸: ۱۶).

**دو.** "ارتباط بین اراده خدا و اراده انسان". اراده حاکمانه و راسخ خدا مسئولیت انسان را برای ایمان داشتن، اطاعت و داشتن زندگی مقدس سلب نمی‌کند. اراده حاکمانه خدا جایگزین یا باطل کننده اراده و اعمال انسان نمی‌شود. با وجود این، اراده به اصطلاح آزاد انسان اراده حاکمانه خدا را تعیین نمی‌کند (۸: ۵-۸).

**نتیجه:** اراده حاکمانه خدا اراده انسان، مسئولیت او برای ایمان داشتن، اطاعت و داشتن زندگی مقدس را در بر گرفته و تضمین می‌کند که اراده خداوند بر روی زمین قطعاً انجام خواهد شد (افسیان ۱: ۴-۱۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۴).

#### (T) قدمهای ۴ و ۵. کاربرد و دعا

پس از تبادل نظر با یکدیگر و تهیه فهرستی از "کاربردهای امکان پذیر"، به این فکر کنید که خدا می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را به "کاربردهای شخصی" برای خودتان تبدیل کنید. بیایید به نوبت، در مورد یک حقیقت که خدا از رومیان ۹: ۱-۳۳ به ما آموخته است، دعا کنیم.

#### (S) تکلیف برای هفته آینده

**اول.** در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۱۰، آماده کنید.

**دوم.** کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....

**سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.